

وصال خداوند بمتابۀ نکاح: بررسی یک استعارۀ مفهومی کلیدی در کشف‌الاسرار روزبهان

معین کاظمی‌فر

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

فروردین ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۳، صص ۱۹۳-۱۸۳

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6839

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: استعاره در نظریه‌های معاصر، نه صرفاً ابزار زیبایی‌شناسی، بلکه فرایند شناختی بنیادین ذهن انسان تلقی می‌شود. طبق نظریۀ استعارۀ مفهومی، استعارۀ «فهم و تجربه» یک حوزه مفهومی در اصطلاحات و عبارات یک حوزه مفهومی دیگر است. این تحقیق کوششی است برای تحلیل یک استعارۀ مفهومی کلیدی در کتاب کشف‌الاسرار روزبهان بقلی.

روش مطالعه: روش این مطالعه توصیفی - تحلیلی است و بر موضوع مفهوم‌پردازی وصال خداوند با اصطلاحات حوزه مفهومی ازدواج و نکاح در کتاب کشف‌الاسرار متمرکز است؛ هرچند به ضرورت به آثار مهم دیگر شیخ عبهر/عاشقین و شرح شطحیات نیز پرداخته می‌شود.

یافته‌ها: روزبهان در کتاب کشف‌الاسرار -زندگینامۀ خودنوشت روحانی خود که به گزارش مکاشفاتش اختصاص یافته است- کوشیده است با استفاده از مفاهیم حوزه مفهومی «نکاح»، مفاهیم انتزاعی حوزه مفهومی «وصال با خداوند» را توصیف کند. در این استعاره، قلمرو مبدأ حوزه مفهومی «نکاح» است که مفهومی محسوس و ملموس است و قلمرو مقصد حوزه مفهومی «وصال خداوند» است که مفهومی متافیزیکی و انتزاعی است. روزبهان با اصطلاحات و الفاظ حوزه نکاح مانند عروس، حجله، مراسم جشن و پایکوبی و نثارهایی که داماد به عروس می‌کند، مفاهیم انتزاعی رابطۀ عاشقانه با خداوند را توضیح می‌دهد.

نتیجه‌گیری: طبق نظریۀ استعارۀ مفهومی، وی با انتخاب حوزه مفهومی «نکاح» برای توصیف «وصال خداوند» هم نظام ادراکی و شناختی خود را درمورد وصال خداوند توضیح می‌دهد و هم انتظارات و توقعات خود و مخاطبان را درمورد آن تنظیم می‌کند. درواقع این استعاره، نظام فکری و فضای حاکم بر «نکاح» را به نظام فکری و فضای حاکم بر مفهوم «وصال الهی» منتقل می‌کند. ما از رهگذر مطالعه این استعارۀ مفهومی که در فضای عرفان اسلامی بی‌مانند و بی‌نظیری است، به جنبه‌هایی تازه از رویکرد روزبهان به مقولۀ وصال الهی دست می‌یابیم.

تاریخ دریافت: ۲۰ فروردین ۱۴۰۱
تاریخ داوری: ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۱
تاریخ اصلاح: ۰۴ خرداد ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۲۲ تیر ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

روزبهان، کشف‌الاسرار، مکاشفه،
استعارۀ مفهومی، نکاح.

* نویسنده مسئول:

kazemimiein@shirazu.ac.ir ✉

☎ ۳۶۲۶۳۱۹۳ (۰۹۸ ۷۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The Union with God as a marriage: Examining a key conceptual metaphor in Kashf al-Asrar of Ruzbihan

Moin Kazemifar

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 09 April 2022

Reviewed: 11 May 2022

Revised: 25 May 2022

Accepted: 13 July 2022

KEYWORDS

Ruzbihan, Kashf al-Asrar,
Conceptual Metaphor,
Mystical Experience, Marriage

*Corresponding Author

✉ kazemimiein@shirazu.ac.ir

☎ (+98 71) 36263193

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: In contemporary theories, metaphor is considered not only an aesthetic tool, but also a fundamental cognitive process of the human mind. According to the theory of conceptual metaphor, the metaphor is understanding of a conceptual domain in the terms and expressions of another conceptual domain. This research is an attempt to analyze a key conceptual metaphor in the book Kashf al-Asrar by Ruzbihan Baghli.

METHODOLOGY: The method of this study is library-analytical and it focuses on the issue of conceptualizing Union with God with the terms of the conceptual field of marriage in the book Kashf al-Asrar; however, by necessity, the other important works of the sheikh, i.e. Abhar al-Asheqin and Sharah Shathiyat, are also discussed.

FINDINGS: Ruzbihan in the book Kashf al-Asrar - his spiritual autobiography, which is dedicated to the report of his revelations - tried to describe the abstract concepts of the conceptual field of Union with God by using the concepts of the conceptual field of "marriage". In this metaphor, the origin realm is the conceptual domain of "marriage," which is a tangible concept, and the destination realm is the conceptual domain of "Union with God" which is a metaphysical and abstract concept. Ruzbihan explains the abstract concepts of love relationship with God with the terms and words of the field of marriage, such as bride, bridegroom, celebration ceremony, and the offerings made by the groom to the bride.

CONCLUSION: According to the theory of conceptual metaphor, Ruzbihan by choosing the conceptual field of "marriage" to describe "Union with God", explains both his perceptual and cognitive system about Union with God and adjusts his and the audience's expectations towards it. In fact, this metaphor transfers the intellectual system and the atmosphere governing "marriage" to the intellectual system and atmosphere governing the concept of "Union with God". Through the study of this metaphor, a concept that is unparalleled in the space of Islamic mysticism, we are introduced to new aspects of Ruzbihan's approach achieves the category of Union with God.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6839](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6839)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 9	 0	 1

مقدمه

اهمیت کاربرد استعاره در بیان ادراکات شهودی بحدی است که گفته میشود کشف یک استعاره مناسب در حیطه متافیزیک، که حیطه‌ای متعالی است، کشف یک راه ویژه تفکر و یک شیوه شناخت است؛ زیرا کشف استعاره به معنای کشف بعضی ویژگیهای ظریف ساختار حقیقت است؛ به گفته ایزوتسو: «مباحث متافیزیک گاه چنان ظریف و فرار است که عقل انسان آن را تنها در قالب استعاره میتواند درک کند» (ایزوتسو، ۱۳۸۳: ۳۵). این مقاله کوششی است برای تحقیق در یکی از جنبه‌های زبان استعاری روزبهان در حیطه بیان ادراکات شهودی و تجارب عرفانی آنگونه که در کتاب کشف‌الاسرار -یکی از نادرترین کتابهای عرفانی در تصوف ایرانی- گزارش کرده است. روزبهان کتاب کشف‌الاسرار خود را به روایت مکاشفات و تجربه‌های عرفانی خود اختصاص داده است و در بیان این تجربه‌ها از استعاره‌های مفهومی مختلفی بهره برده است که یکی از برجسته‌ترین آنها توصیف تجربه وصال خداوند بمثابه نکاح است. به عبارتی دیگر، وی وصال روحانی با خداوند را همچون صحنه نکاح زمینی بین یک زن و یک مرد دیده و در قالب مفاهیم این استعاره، آن را وصف کرده است.

روش مطالعه

این تحقیق در بدو امر با یک چالش مواجه بود و آن نامعلوم بودن مرز مکاشفه و غیرمکاشفه در برخی قسمتهای متن کشف‌الاسرار بود. توضیح آنکه در مواردی مرز بین قسمتهایی از کشف‌الاسرار که به گزارش رؤیت اختصاص یافته و باقی قسمتها مبهم است و این بدان معناست که در این قسمتها نمیتوان اظهارنظر قطعی کرد که روزبهان، زبان را در ساختار استعاری به کار برده یا صرفاً به توصیف آنچه در مکاشفات رؤیت کرده پرداخته است. برای نمونه وقتی وی خود را «عروسی در حجله خداوند» وصف میکنند، نمیتوان قاطعانه دانست که آیا وی واقعاً در رؤیتی خود را همچون عروس و خداوند را همچون داماد مشاهده کرده یا صرفاً از این استعاره برای بیان اشتیاق و نزدیکی خود به خداوند استفاده کرده است. شیوه متداولی که معمولاً در چنین مواردی پیش روی محقق قرار دارد آن است که برای تحقیق یک «فرض بنیادین» در نظر بگیرد و براساس آن فرض، تحقیق را پیش برد. بنابراین برای تحقیق در زبان استعاری روزبهان «فرض شد» که وی در همه موارد مبهم، با یک بیان استعاری، نزدیکی و وصال با خداوند را در قالب حوزه مفهومی نکاح بیان کرده است. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و متمرکز بر بررسی استعاره وصال خداوند بمثابه نکاح در کتاب کشف‌الاسرار روزبهان است؛ هرچند گاه نیز ضرورت به کار بست این استعاره مفهومی در دو اثر مهم دیگر وی یعنی شرح شطحیات و عبهرالعاشقین نیز پرداخته میشود.

ضرورت و سابقه پژوهش

با رشد مطالعات در حوزه علوم شناختی، بیش از پیش صحت این مطلب روشن شده است که جهت‌گیریهای عاطفی و شناختی یک فرد را ایماژهای بنیادین یا کلان‌استعاره‌های مفهومی وی میسازند و این بدان معناست که برای درک عمیق جنبه‌های مختلف فکری و عاطفی یک فرد باید ابتدا ایماژهای اصلی یا کلان‌استعاره‌های وی را کشف کرد؛ زیرا هر فرد جهان را از طریق استعاره‌هایش فهم و درک میکند. بر این اساس کشف کلان‌استعاره‌های بکاررفته در آثار یک نویسنده برای شناخت عمیق آن فرد ضرورتی تام دارد؛ چه بدون درک استعاره‌های مفهومی مهم آثار وی نمیتوان تصویری واضح از دیدگاه‌ها و رویکردهای وی داشت. برپایه آنچه گفته شد این تحقیق میکوشد به یک نیاز ضروری در حوزه شناخت شخصیت روزبهان بقلی، صوفی پرآوازه قرن ششم، که با دیدگاه‌های

چالش برانگیزش در باب جمالپرستی شناخته میشود پاسخ دهد.

در باب بررسی استعاره‌های مفهومی در متون عرفانی فارسی تحقیقات شایسته‌ای صورت گرفته، هرچند سهم آثار روزبهبان از میان آنها ناچیز است و البته تاکنون تحقیقی درباره استعاره‌های مفهومی کشف‌الاسرار روزبهبان صورت نگرفته است. برخی از بهترین تحقیقات عبارتند از: مقاله «استعاره مفهومی نور در دیوان شمس» از مینا بهنام (۱۳۸۹)، مقاله «استعاره مفهومی در دیوان شمس بر مبنای کنش حسی خوردن» از طاهره کریمی و همکارش (۱۳۹۲)، مقاله «مفهوم ناکجاآباد در دو رساله سهروردی براساس نظریه استعاره شناختی» و «زنجیره‌های استعاری محبت در تصوف» از زهره هاشمی (۱۳۹۲) و مقاله «استعاره مفهومی رویش در معارف بهاء‌ولد» از مژگان زرین فکر و همکاران (۱۳۹۲). محمود فتوحی و همکارش (۱۳۸۸) نیز در مقاله جالب «بررسی رابطه تجربه عرفانی و زبان تصویری در عبهرالعاشقین» کوشیده‌اند پیوند میان تجربه عرفانی روزبهبان و تصویری را که وی در عبهرالعاشقین ارائه داده است تحلیل کنند.

بحث و بررسی

نظریه کلاسیک در برابر نظریه معاصر استعاره: از زمان ارسطو تا دوران معاصر عمدتاً به استعاره بعنوان یک شگرد زبانی برای آفرینش زیبایی در کلام نگریسته میشد. در این نگاه که به آن نظریه کلاسیک استعاره گفته میشود، استعاره آرایه‌ای بود مبتنی بر تخیل و قلمرو آن زبان مجازی یعنی زبان هنر و ادبیات دانسته میشد. این دیدگاه تا پیش از مطرح شدن نظریه‌های معاصر استعاره که متأثر از پیشرفت علوم شناختی عرضه شدند، رایجترین دیدگاه در مورد استعاره بود. اما در چند دهه اخیر، یک شاخه از زبان‌شناسی که به آن زبان‌شناسی شناختی گفته میشود، دیدگاه‌هایی در مورد استعاره مطرح کرد که تلقی کلاسیک در مورد استعاره را بچالش کشید. در این نظریه به استعاره نه بعنوان یک آرایه ادبی یا شگرد هنری، بلکه بعنوان یک نظام فعال در نظام شناختی انسان نگاه میشود. ایده اصلی این نظریه آن است که اصولاً ذهن انسان جهان را در قالب استعاره‌ها فهم و طبقه‌بندی میکند و بر این اساس قلمرو استعاره نه صرفاً زبان هنری و ادبی بلکه همه زندگی است. به عبارتی دیگر ما از طریق مدل‌های فرهنگی و استعاره‌های رایج با همه چیز سروکار داریم و اصولاً هیچ فعالیتی از فعالیت‌های ذهنی و زبانی ما نمیتواند عاری از استعاره باشد. نقش استعاره بویژه در فهم، استباط، مفهوم‌سازی و طبقه‌بندی امور انتزاعی و متافیزیکی پررنگتر می‌شود، زیرا نظام شناختی ذهن انسان بگونه‌ای است که مستقیماً نمیتواند فهم و درکی از امور انتزاعی و ناملموس داشته باشد، بلکه صرفاً میتواند بواسطه امور آشنای ملموس و عینی، امور انتزاعی و ذهنی را درک کند و در اینجا است که استعاره‌های مفهومی معنا و کارکرد پیدا میکنند، زیرا استعاره مفهومی ابزاری شناختی است که امور ناآشنای انتزاعی و متافیزیکی را در قالب و چارچوب امور آشنای ملموس برای ذهن قابل درک میکند. بدین ترتیب توجه به استعاره‌ها تبیینی تازه از کارکرد مغز و نحوه ارتباط آن با جهان پیرامون در اختیار ما میگذارد (بارسلونا، ۱۳۹۰: ۱۰).

ماهیت استعاره مفهومی: یکی از مدعیات اصلی لیکاف و جانسون در کتاب *استعاره‌هایی که با آنها زندگی میکنیم* این است که استعاره برخلاف تصور رایج و کلاسیک، صرفاً به حوزه زبان و آفرینش‌های ادبی محدود نمیشود، بلکه قلمرو تأثیر آن سرتاسر زندگی است؛ از نظر ایشان کمتر فعالیتی را در زندگی انسان میتوان یافت که ماهیتی استعاری نداشته باشد. لیکاف و جانسون بر این باور تأکید کردند که استعاره‌ها نه تنها نگاه ما به پدیده‌ها را شکل میدهند، بلکه فراتر از آن انتظارات و توقعات ما در مورد امور را نیز پیشاپیش تعیین میکنند (لیکاف و جانسون،

۲۰۰۳: ۳۸). اگر درستی ادعای یادشده را قبول کنیم، باید بپذیریم که نحوه‌ اندیشیدن، تجربه‌ها و اعمال روزانه‌مان موضوعاتی مرتبط با استعاره‌اند. لیکاف و جانسون یادآور شدند نظام مفهومی ما چیزی نیست که در حالت عادی بدان واقف باشیم؛ بدین معنی که ما در بسیاری از امور جزئی روزانه، کمابیش بگونه‌ای ناخودآگاه در امتداد خطوط خاصی که استعاره‌ها تعیین میکنند میندیشیم و عمل میکنیم. برای نمونه، استعارۀ «مباحثه» بمتابۀ «جنگ» باعث میشود ما ناخودآگاه طرف مقابلمان در مباحثه را بمتابۀ حریفمان در نبرد در نظر بگیریم و یا پذیرش سخنان طرف مقابل را بمنزله شکست در جنگ تلقی کنیم؛ حال آنکه اگر این استعاره جای خود را به استعاره‌ای چون «مباحثه بمتابۀ ورزش تیمی» میداد، تلقی ما از مباحثه کاملاً فرق میکرد. مطابق ادعای لیکاف و جانسون نتایجی که در تحقیقات خود حاصل کردند، عمدتاً بر پایه‌ شواهد زبانی بوده و این شواهد همه حاکی از آن است که نظام مفهومی هرروزه ما از ماهیتی استعاری برخوردار است. در نظر این دو محقق، اندیشه‌ استعاری گاه بشکل خودآگاه و گاه ناخودآگاه در همه‌جا حضور دارد. بویژه آنها تأکید کردند که شیوه ادراک ما بگونه‌ای است که مفاهیم انتزاعی در حوزه نظام مفهومی انسان، با بهره‌گیری از مفاهیم عینی سازمان‌بندی میشود. (همان: ۱۲۴).

لیکاف برای توضیح چگونگی شکل گرفتن استعاره‌ها به الگوبرداری استعاری (نگاشت) (mapping) (metaphoric) اشاره میکند و آن را روشی بنیادین برای ساخت و سازمان‌یابی استعاره‌های مفهومی میداند؛ وی معتقد است استعاره‌ها براساس الگوی «مبدأ بمتابۀ مقصد» ساخته میشوند. به این ترتیب هر استعارۀ مفهومی دو وجه دارد: یک مبدأ و یک مقصد. برای مثال، در جمله «ساسان آدم سردی است» و یا جمله «او از ما به گرمی استقبال کرد» مشاهده میشود که حوزه مبدأ استعاره که در بلاغت سنتی، «مشبه‌به» نامیده میشود -حس لامسه (سرما و گرما) است و حوزه مقصد- که در بلاغت سنتی «مشبه» نامیده میشود- تجربه انتزاعی صمیمیت است. نکته قابل توجه آن است که در نظریۀ استعارۀ مفهومی برخلاف نظریۀ سنتی استعاره، دیگر مشبه و مشبه‌به، واژه نیستند، بلکه قلمرو یا حوزه مفهومی هستند (همانجا). بر این اساس، تعریفی که از استعارۀ مفهومی در قلمرو زبان‌شناسی شناختی ارائه میشود عبارت است از: الگوبرداری نظام‌مند بین عناصر مفهومی یک حوزه از تجربه بشر که ملموس و عینی است بعنوان مبدأ، بر روی حوزه دیگری که معمولاً انتزاعی‌تر است یعنی حوزه مقصد (لیکاف، ۱۳۹۰: ۱۳۷). لیکاف و جانسون برای سهولت در یادآوری نگاشتهای موجود در نظام مفهومی، از شیوه «یادیار» در روانشناسی سود جستند. این یادیارها غالباً بشکل گزارهای «قلمرو مقصد، بمتابۀ قلمرو هدف است» بیان میشوند. بنابراین مثلاً «مباحثه، جنگ است» یک یادیار-و نه خود استعاره- است که از آن برای مجموعه‌ای از نگاشتهای (تناظرها) بین قلمرو مقصد و مبدأ استفاده میشود. بدین ترتیب این نگاشتها به ما امکان میدهد که آگاهی و شناخت مربوط به قلمرو «سفر» را درباره «عشق» که یک مفهوم انتزاعی و ذهنی است، به کار ببریم (همان: ۱۴۴).

استعارۀ مفهومی «وصال خداوند بمتابۀ نکاح مقدس» در آثار روزبهان

پیش از این اشاره شد که «وصال خداوند بمتابۀ نکاح» در کشف‌الاسرار یک استعارۀ مفهومی کلیدی به حساب

می‌آید.^۱ طبق نظریه استعاره مفهومی، روزبهان کوشیده است با استفاده از مفاهیم حوزه مفهومی «نکاح»، مفاهیم انتزاعی «وصال عارف با خداوند» را توصیف کند. در این استعاره، قلمرو مبدأ حوزه مفهومی «نکاح» است که مفهومی محسوس و ملموس است و قلمرو مقصد حوزه مفهومی «وصال خداوند» است که مفهومی متافیزیکی و انتزاعی است. روزبهان با اصطلاحات و الفاظ حوزه نکاح مانند عروس، حجله، مراسم جشن و رقص و نثارهایی که داماد به عروس میکند مفاهیم انتزاعی رابطه عاشقانه عارف با خداوند را توصیف میکند. طبق نظریه استعاره مفهومی، وی با انتخاب حوزه مفهومی «نکاح» برای توصیف «وصال خداوند» هم نظام ادراکی و شناختی خود را درمورد وصال خداوند توضیح میدهد و هم انتظارات و توقعات خود و مخاطبان را از آن تنظیم میکند. درواقع این استعاره، نظام فکری و فضای حاکم بر «نکاح» را به نظام فکری و فضای حاکم بر مفهوم «وصال الهی» منتقل میکند و موجب میشود برخی جنبه‌های وصال الهی که متناسب با حوزه مفهومی نکاح است برجسته و از برخی جنبه‌های دیگر، صرف نظر شود.

همچنانکه مشهور است در طریقت عرفانی روزبهان، عشق الهی، کیفیتی انسانی دارد یعنی عارف، عشق الهی را در قالب عشق (عاری از شهوت) به شاهدان زیبارو تجربه میکند؛ ازاینرو ایماژ اصلی روزبهان برای بیان عشق انسان به خداوند و بالعکس در قالب استعاره‌ای انسانی یعنی نکاح عروس و داماد بوده است. روزبهان در *عبرالعاشقین* بصراحت بیان کرده که خداوند به وی ندا داده است که برای عشق ورزیدن به او، با دیده انسانی به عالم انسانی بنگر: «آنگاه که از ملکوت و جبروت بسمت ناسوت بازگشتم در من درد عشق پدید آمد و از نایافت جمال حق رنجور شدم. اما ناگاه متوجه شدم که میتوان جمال الهی را در عالم حدّث و انسانی نیز یافت؛ از قضا از سرای زیبارویان گذر میکردم و ناگهان جمال صفات خداوند را در چهره زیبارویان بازشناختم؛ چشم سرم صورت زیبای انسان را میدید و چشم جانم جمال حضرت قدم را. در این لحظه خداوند در من ندا داد که به دیده انسانیت در عالم انسانی نگر» (*عبرالعاشقین*: ۱۲). چنین باوری به زیبایی انسان و عشق به جمال زیبارویان بعنوان تجلیگاه الهی، زمینه را برای انتخاب استعاره نکاح فراهم کرده است.

در این زمینه یک نکته مهم جلب توجه میکند: انتخاب حوزه مفهومی «نکاح» بعنوان قلمرو مبدأ برای توضیح وصال عارف با خداوند، با نظام اندیشگانی و عاطفی روزبهان بسیار سازگار و هماهنگ است؛ زیرا همچنانکه معروف است برای روزبهان انسان و عشق ورزیدن به انسان و زیباییهایش بعنوان تجلیگاه خداوند، اهمیت محوری دارد؛ لذا انتخاب حوزه مفهومی نکاح که حاکی از پیوند عاشقانه دو انسان است با ساختار فکری و عاطفی روزبهان سازوار به نظر میرسد و تا حد زیادی نشان‌دهنده تلقی وی از کیفیت وصال با خداوند است؛ چراکه این استعاره مفهومی، نشان میدهد روزبهان از «وصال الهی» نیز تصور وصال دو شخصیتی را داشته که رابطه عاطفی قدرتمند دوسویه بینشان، آنها را به نکاح یعنی حضور دائمی در کنار هم و در حجله بودن یعنی یکی شدن و اتحاد دو شخص و از میان بردن هر نوع فاصله ترغیب کرده است. در این تصاویر نوعاً مشتاقان خداوند با ویژگیهای حوزه مفهومی «عروس» وصف میشوند و خداوند بمتابۀ «داماد» توصیف میشود. ممکن است در نگاه نخست اینکه روزبهان از حوزه مفهومی «نکاح» برای توضیح حوزه مفهومی «وصال خداوند» بهره میبرد، چندان قابل تأمل نباشد، اما انتخاب وی وقتی معنادارتر میشود که با استعاره‌های احتمالی دیگر مقایسه شود؛ مثلاً روزبهان میتواندست مانند برخی

۱. تا آنجا که نگارنده مطلع است تصویر «نکاح» بین خدا و انسان مفهومی است که در عرفان اسلامی جز در آثار روزبهان بقلی مشاهده نشده است اما در عرفان مسیحی مکرراً (مثلاً نکاح عرفانی کاترین اسکندرائی یا نمونه‌هایی در فرقه بگینها) به آن اشاره شده است (نک: فانینگ، ۱۳۸۹: ۲۰۱).

عارفان دیگر، وصال خداوند را با استفاده از حوزه‌های مفهومی «برگشت قطره به دریا» یا «علاقۀ ذره به خورشید» توضیح دهد که در آن صورت دیگر نه از عشق انسانی خبری بود و نه از دیگر خصیصه‌های جهان ذهنی روزبهان؛ اما وی با انتخاب حوزه مفهومی «نکاح دو انسان» برای توضیح وصال خداوند، تلقی خاص خود از رابطۀ انسان با خداوند را ارائه کرده که با نظام اندیشگانی و عاطفی وی کاملاً هماهنگ است.

روزبهان صرف‌نظر از کتاب کشف‌الاسرار، در دو کتاب اصلی دیگر خود یعنی *عبر‌العاشقین* و *شرح شطحیات* نیز بکرات از استعارۀ مفهومی «وصال خداوند بمتابۀ نکاح» استفاده کرده است و عاشقان خداوند را عروسی دانسته که در حجله‌های انس با خداوند داماد متحد میشوند. در ادامه، نمونه‌هایی از مکاشفات روزبهان را در کتاب کشف‌الاسرار که در آنها وصال خداوند در چارچوب حوزه مفهومی نکاح توصیف شده است مشاهده میکنیم؛ نمونه‌های مربوط به استفاده از تصویر یادشده در کتابهای *عبر‌العاشقین* و *شرح شطحیات* در قسمت پی‌نوشت مقاله ذکر خواهند شد.^{۱۲}

- در آن، روحانیان، رتانیان، قدسیان، اهل جلال و جمال او را دیدم که نشسته بودند درحالی‌که جامه‌هایی چون جامۀ عروسان بر تن داشتند (کشف‌الاسرار: ۱۳۲).

- و «جبریل» را دیدم که در صف اول چون عروسی نشسته بود و چون ماه در میان ستارگان میدرخشید. دو گیسوی او چون گیسوی زنان بلند بود و جامه‌ای سرخ با طراز سبز به بر داشت (همان: ۱۳۳).

- پس او را در میان حجله‌ها و حجابها مشاهده کردم. مجالس انس را در آن حجله‌ها یافتم و بر هر بساطی که نشستم او خود را به بهترین صورت بر من آشکار کرد و از شرابه‌ای نزدیکی خود به من نوشانید؛ گویی من در آن مکان چون عروسی دربرابر حق سبخانه بودم (همان: ۱۴۴).

- و فرشتگان و پیامبران را دیدم که چون عروسانی در آنجا نشسته بودند (همان: ۱۵۳).

- خانۀ عروسان را که منزل جلال الهی بود دیدم. حق خود با همه وجودش بر من ظاهر شد. و مرا به مقام انبساط و وجد و حال وارد کرد. ذوقی از آن نصیبم شد که چون آن هرگز نچشیده بودم. او شور و شوق و عشق مرا میخواست. پس بحدی به من نزدیک شد که توان توصیف آن را ندارم (همان: ۱۵۶).

- گاه‌گاهی در هنگام مشاهدات که در حال مستی (سکر) یا هوشیاری (صحو) بودم، جامۀ عروسان دربرداشتم. و بر سر من موهایی چون زلفکان زنان بود، سرگشاده و با سینه‌ای عریان همچون پادشاهی زیبا در میان ندیمان خود از حجله خارج میشدم. خود را میدیدم که در عالم ملکوت چون پرنده‌ای در پروازم و تمامی حاضران بارگاه را

^۱ - روزبهان در *عبر‌العاشقین* و *شرح شطحیات* نیز بارها انبیا و عارفان را عروسان خداوند (= داماد) خوانده است:

- اینچنین عروسی را حق بخودی خود ستوده، میان ملا نیکوان ملکوت گفت: «صَوْرَکَم فاحسن صورکم» (*عبر‌العاشقین*: ۳۵) (عروس استعاره از آدم)

- تا اشارت کرد مر عروس سرای وحدت و خلاصۀ جوهر آدم را ... محمد مصطفی صلوات الله و سلامه علیه (همان: ۶۳) (عروس سرای وحدت استعاره از پیامبر اکرم).

- رقاضان غیب، در میان مرقع‌پوشان ازل به بام کشور ملکوت با عروسان جبروت وراء حظیرۀ القدس بدیدم (همان: ۸۵) (عروسان جبروت استعاره از فرشتگان).

- درینا اگر بودی ایشان را زاجری از عقل یا واعظی از علم تا دست از عروسان حضرت بداشتندی و گرد علم غامض ایشان نگردیدندی (همان: ۶۱) (عروسان استعاره از عارفان).

- تو ندانی که این عروس حجلۀ انس در عالم قدس کیست و این درّ گسیخته از سلک مشایخ عشق در میان این زهاد قرآ چیست. غریبی نانشانست و شاهی دلشان (شرح شطحیات: ۶۶) (عروس استعاره از خود روزبهان).

- هان قامت آن عروس بنمای. هرچه آورد ابویزد، از بحر ازل آورد (شرح شطحیات: ۹۹) (عروس استعاره از بایزد).

میدیدم، اما هیچکدام را به زیبایی خود نیافتم. گویی آنان به دیدن من با شوق و مهربانی شادی میکردند. ولی من نزد ایشان درنگ نکردم و به پرواز خود بسوی مراتب روحانی ادامه دادم تا به حق سبحانه و تعالی رسیدم (همان: ۱۷۱).

- گاه [فرشتگان] همچون عروسانی [بودند] که آنها را موهایی همچون موی زنان است و چهره‌هایشان همچون زیباترین ایشا. (همان: ۱۷۴).

- گروهی دیگر [از فرشتگان را] شبیه عروسان مشاهده کردم (همان: ۱۷۸).

- آنگاه خود را در سرای جلال بر بساط انس با خداوند دیدم، و او برای من چنان باده‌ای ریخت که وصف آن نتوانم. به مقام وصال و انس و جمال رسید. (همان: ۱۸۵).

- در بالای عرش در حلقه‌های انس، او به صفت جمال و جلال هویدا شد. (همان: ۱۹۶).

- لطیفه‌های صفت وی را در لباسهای گوناگون مشاهده کردم، تا مرا در حجابهای حلقه‌های جلال و قدس وارد کرد. پرده‌هایی از گل سرخ را دیدم که حق تعالی آنها را با نور و روشنائی خود زینت داده بود. او در عالم قدس از میان پرده‌ها مشاهده میشد. در ورای هر پرده‌ای در پشت من، گروهی عاشق افتاده بودند. پس حق سبحانه گفت: ورای هریک از این حجابها صد جبرئیل به شمشیر شوق کشته شده است (همان: ۲۰۵).

- [خداوند] دست [قلبم] را گرفت و او را در آغوش خود جای داد (همان: ۲۰۸).

- اشتیاق مرا به جامهای گشایشش افزایش داد. پس وجدی زیبا و بیمانند نصیبم شد. زمان گذشت و آشکاری و کمال قدس ذاتش رو به تزاید بود. چون او را در دار جلال و بر بساط قرب الهی دیدم، شوق من به او زیاد شد و از او خواستم تا مرا در زیبایی و وصالش شریک سازد (همان: ۱۸۳).

- او [= خداوند] میرقصید و با او تمامی پیامبران و فرشتگان میرقصیدند. تا حدّ ممکن به من نزدیک شد. او آنچنان آشکار ظهور کرده بود که گویی ماه بدر را در شب چهاردهم میدیدم که گرداگرد او سیارات بودند و این تصویر، لباسی عجیب از مقام التباس بود. و او حق سبحان بود و آن سیاره‌ها فرشتگان بودند و نزدیکترینشان به او جبرئیل بود. گویی ایشان به او عاشق بودند و هیچ‌گاه آرزویی را از وی طلب نمیکردند و خداوند هم به آنان مهربان بود و گویی ایشان خانواده‌اش بودند. پس مرا به خود نزدیک ساخت و از عالم قیومیت و قدمیت قرب مرا افزود (همان: ۱۹۸).

نگاشتهای استعاره مفهومی «وصال خداوند بمتابۀ نکاح»

در ادامه نگاشتهای یا تناظرهای بین دو حوزه مفهومی «وصال خداوند» و «نکاح» در استعاره مفهومی «وصال خداوند بمتابۀ نکاح» ارائه خواهد شد:

نگاشت ۱: مشتاقان خداوند (روزبهان، سایر عارفان، پیامبران و فرشتگان) عروس خدا (= داماد) هستند.

- ایشان [= عارفان] نیز آنچه توانستند از سنگینی بلایا و ریاضتها و مجاهدات تحمل کردند و عروسان حضرتش گردیدند (کشف‌الاسرار: ۱۰۱)

- [در برابر زیبایی خداوند] چهره‌های عروسان ملکوت کجا است؟ (همان: ۱۲۹).

- نیمه‌شبی در طلب ظهور عروسان غیب [= فرشتگان] بر سجاده عبادت نشستیم و ضمیرم در اقطار ملکوت سیر میکرد (همان: ۱۳۴).

- نگاشت ۲:** شادی ناشی از وصال خداوند، شادی مراسم جشن و رقص نکاح است:
 - [در مراسم جشن] به سویم آمد و مرا به رقص خواند، با او رقصید. (همان: ۱۴۸).
 - او روی سوی من کرد، به من نزدیک شد و مرا به رقص واداشت و با من رقصید و دراین مورد من را در میان دیگران مخصوص کرد (همان: ۱۵۸).
- نگاشت ۳:** محل وصال مشتاقان با خداوند، حجله است:
 - آنگاه پنهان شد و دیگر بار حجله‌های انس را بر من گشود (همان: ۱۴۴).
- نگاشت ۴:** رحمت خداوند در حق مشتاقان، نثار گل و عطر از جانب داماد به عروس است:
 - و بارها او بر من گل سرخ و مروارید و یاقوت افشاند و بارها نزد او، در دار قدس از شراب چشمه‌هایش برخوردار شدم. و بین من و او اسرار انبساط جاری شد (همان: ۱۱۶).
 - و بویهای خوش گل‌های سرخ و ریاحین معطر قرب و وصل خود را به ایشان چشاند (همان: ۱۰۱).
- نگاشت ۵:** مخصوص شدن مشتاقان به لطف خداوند، خلوت انس عروس و داماد است:
 - حق تعالی در خانه انس خود مجلسی برای من آراست و خود به صفت جمال بود و هیچیک از آفریده‌های وی آنجا نبود. گویی خداوند وصالش را مخصوص من کرده بود (همان: ۲۰۲).
- نگاشت ۶:** نهایت وصل مشتاقان با خداوند، نماندن فاصله میان عروس و داماد است:
 - و خداوند تعالی مرا گرمی داشت و مرا در نزدیکترین محل ممکن جا داد، آنگونه که میان من و او فاصله‌ای نماند (همان: ۱۲۱).
- شکل زیر نشان‌دهنده مهم‌ترین نگاشتهای موجود در استعارۀ مفهومی «وصال خداوند بمتابۀ نکاح مقدس» در متن کشف‌الاسرار است:

یادیار اصلی: «وصال خداوند، نکاح است»

قلمرو مبدأ (نکاح)	نگاشتها	قلمرو مقصد (وصال خداوند)
عروس / داماد	←	مشتاقان خداوند: عارفان، فرشتگان و ... / خداوند
مراسم جشن و پایکوبی	←	شادی وصال خداوند
حجله	←	محل اتصال کامل خداوند و بنده
نثار گل و عطر از جانب داماد به عروس	←	الطاف خداوند به مشتاقانش
خلوت کردن عروس و داماد	←	خداوند لطفش را مخصوص به عارف میکند.
نماندن فاصله میان عروس و داماد	←	نهایت وصل عارف با خداوند

نتیجه‌گیری

نظریه معاصر استعاره، در چند دهه اخیر، ماهیت جدیدی برای استعاره تعریف کرد که براساس آن، استعاره فقط آرایه ادبی یا یکی از صور کلام نیست، بلکه فرایندی فعال در نظام شناختی بشر محسوب میشود. در اصل استعاره مفهومی از دیدگاه نظریه معاصر استعاره، «فهم و تجربه» مفهومی در اصطلاحات و عبارات چیز دیگر است. طبق نظریه استعاره مفهومی، روزبهان کوشیده است با استفاده از مفاهیم حوزه مفهومی «نکاح»، مفاهیم انتزاعی «وصال عارف با خداوند» را توصیف کند. در این استعاره، قلمرو مبدأ حوزه مفهومی «نکاح» است که مفهومی محسوس و ملموس است و قلمرو مقصد حوزه مفهومی «وصال عارف به خداوند» است که مفهومی متافیزیکی و انتزاعی است. روزبهان با اصطلاحات و الفاظ حوزه نکاح مانند عروس، حجله، مراسم جشن و پایکوبی و نثارهایی که داماد به عروس میکند، مفاهیم انتزاعی رابطه عاشقانه عارف با خداوند را توضیح دهد. طبق نظریه استعاره مفهومی، وی با انتخاب حوزه مفهومی «نکاح» برای توصیف «وصال خداوند» هم نظام ادراکی و شناختی خود را درمورد وصال خداوند توضیح میدهد و هم انتظارات و توقعات خود و مخاطبان را از آن تنظیم میکند. درواقع این استعاره، نظام فکری و فضای حاکم بر «نکاح» را به نظام فکری و فضای حاکم بر مفهوم «وصال الهی» منتقل میکند و موجب میشود برخی جنبه‌های وصال الهی که متناسب با حوزه مفهومی نکاح است برجسته و از برخی جنبه‌های دیگر، صرف‌نظر شود. در این زمینه این نکته جلب توجه میکند که انتخاب حوزه مفهومی نکاح بعنوان قلمرو مبدأ برای توضیح وصال عارف با خداوند، با نظام اندیشگانی و عاطفی روزبهان بسیار سازگار و هماهنگ است؛ زیرا برای روزبهان انسان و عشق ورزیدن به انسان و زیبایی‌هایش بعنوان تجلیگاه خداوند، اهمیت محوری دارد؛ لذا انتخاب حوزه مفهومی نکاح که حاکی از پیوند عاشقانه دو انسان است، با ساختار فکری و عاطفی روزبهان سازوار به نظر میرسد و تا حد زیادی نشان‌دهنده تلقی وی از کیفیت وصال با خداوند است.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسنده است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکرشده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Barcelona, Antonio. (2011). Metaphor and metonymy at the crossroads: a cognitive perspective. Trans. Farzān sojud & others. Tehrān: Naqš-e jahān.
- Fanning, Steven. (2010). Mystics of the Christian tradition. Trans. Faridoddin Radmehr, Tehrān: Nilufar.
- Izutsu, Toshihiko. (2004). Creation and the timeless order of things: essays in Islamic mystical philosophy. Trans. Mahdi sarreštēdāri. Tehrān: Mehrandish.
- Lakoff, George and Mark Johnson. (2003). Metaphors we live by. London: The university of Chicago press.

- Lakoff, George and Others. (2013). *Metaphor is the basis of thinking and a tool for creating beauty*. Trans. Farhād-e Sāsāni and Digarān. Tehrān: Sure-ye mehr.
- Ruzbahān, Abumohammad. (1987). *Abhar al-Asheqin*. edit. Henry Corban and Mohammad Moein, Tehrān: Manuchehri.
- Ruzbahān, Abumohammad. (2001). *Abhar al-Asheqin*. Edit. Javād Nurbaxš, Tehrān: yaldā qalam.
- Ruzbahān, Abumohammad. (2006). *Kašfolasrār*. Edit. Firuze pāpān matin. Leiden: Brill.
- Ruzbahān, Abumohammad. (2010). *Šarh-e šatahiyāt*. Edit. Henry Corban, Tehrān: Tahuri.
- Ruzbahān, Abumohammad. (2014). *Kašfolasrār*. Edit and trans. Maryam Hoseyni. Tehrān: Soxan.

فهرست منابع فارسی

- ایزوئسو، توشیهیکو (۱۳۸۳). آفرینش، وجود و زمان. ترجمۀ مهدی سررشته داری. تهران: مهراندیش.
- بارسلونا، آنتونیو (۱۳۹۰). استعاره و مجاز با رویکرد شناختی. ترجمۀ فرزانه سجودی و دیگران. تهران: نقش جهان.
- روزبهان، ابومحمد (۱۳۶۶). *عبرالعاشقین*. تصحیح هانری کربن و محمد معین، تهران: منوچهری.
- روزبهان، ابومحمد (۱۳۸۰). *عبرالعاشقین*. به سعی جواد نوربخش، تهران: یلدا قلم.
- روزبهان، ابومحمد (۱۳۸۹). *شرح شطحیات*. تصحیح هانری کربن، تهران: طهوری.
- روزبهان، ابومحمد (۱۳۹۳). *کشف‌الاسرار*. تصحیح و ترجمۀ مریم حسینی. تهران: سخن.
- روزبهان، ابومحمد (۲۰۰۶). *کشف‌الاسرار*. تصحیح فیروزه پاپان متین. لیدن: بریل.
- فانینگ، استیون (۱۳۸۹). عارفان مسیحی. ترجمۀ فریدالدین رادمهر، تهران: نیلوفر.
- لیکاف، جورج و دیگران (۱۳۹۲). *استعاره مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی*. ترجمۀ فرهاد ساسانی و دیگران. چاپ دوم. تهران: سورۀ مهر.

معرفی نویسنده

معین کاظمی‌فر: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

(Email: kazemimiein@shirazu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the author

Moein Kazemifar: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Shiraz, Iran.

(Email: kazemimiein@shirazu.ac.ir)